

The Right to Peaceful Assembly in Public from the Perspective of Islamic Sharia and Iranian Law

*Hossein Aghababaei**

DOI: 10.22096/HR.2023.560530.1496

[Received Date: 20/08/2022 - Accepted Date: 27/12/2022]

Abstract

The right to peaceful assembly is recognized as the right to participate in gatherings and marches in the constitutions of countries, and the methods of guaranteeing it are specified in the laws. The purpose of this research is to examine the right to peaceful protest from the perspective of Islamic teachings and the method of guaranteeing it in Iranian law. The findings of the research indicate that various teachings in Islamic Sharia confirm the right of assembly and peaceful protest, especially in terms of calling for good, forbidding evil and Public litigation. Also, the constitution of Iran, influenced by religious teachings, recognized this right. However, the permit-based model in fulfilling this right, which is stated in the executive regulations and the procedure of the executive bodies, while making it impossible for natural persons to fulfill this right, also fails the organizations and parties in obtaining permission for peaceful gatherings and marches. According to the legislative plan in action, it is proposed to modify the approach of the political system and pay attention to religious teachings and the constitution in guaranteeing the right to participate in gatherings and protest in the public.

Key Words: The right to peaceful assembly; The Right to protest in public; Demonstrations and marches; Guarantee the right to protest.

* Associate Professor, Department of Law, Gilan University, Rasht, Iran.
Email: aghababaei@guilan.ac.ir



حق اجتماع مسالمت آمیز در عرصه عمومی در سنجه شرع و حقوق ایران

حسین آقابابایی*

DOI: 10.22096/HR.2023.560530.1496

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶]

چکیده

حق اجتماع مسالمت آمیز معمولاً به منزله حق شرکت در تجمع‌ها و راهپیمایی‌ها در قوانین اساسی کشورها به رسمیت شناخته شده و در قوانین عادی شیوه‌های تضمین آن مشخص شده است. هدف این تحقیق، بررسی حق اجتماع مسالمت آمیز از منظر آموزه‌های اسلامی و روش تضمین آن در حقوق ایران است. یافته‌های تحقیق حاکی است که آموزه‌های متنوعی در شریعت اسلامی، حق اجتماع و اعتراض مسالمت آمیز به‌خصوص از جهت دعوت به خیر، نهی از منکر و تظلم خواهی علنی را تأیید می‌کنند. همچنین قانون اساسی ایران، متأثر از آموزه‌های دینی این حق را به رسمیت شناخته است؛ اما مدل مجوزمدار در استیفای این حق که در مقررات اجرایی مطرح و رویه دستگاه‌های اجرایی شده است، ضمن اینکه اصولاً استیفای این حق از سوی اشخاص حقیقی را غیر ممکن کرده است، تشکل‌ها و احزاب را نیز در کسب مجوز تجمع و راهپیمایی مسالمت آمیز ناکام گذاشته است. با توجه به طرح تقنینی در دست اقدام، ضمن بیان نکات قوت و ضعف این طرح، اصلاح رویکرد نظام سیاسی و توجه به آموزه‌های دینی و قانون اساسی در تضمین حق تشکیل اجتماع و اعتراض در عرصه عمومی پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: حق اجتماع مسالمت آمیز؛ حق اعتراض در عرصه عمومی؛ اجتماعات و راهپیمایی‌ها؛ تضمین حق اعتراض.

* دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۱. مقدمه

حق سازماندهی یا شرکت در تجمع‌های مسالمت‌آمیز یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین مصرح در اسناد حقوق بشر بین‌المللی و منطقه‌ای است^۱ و شورای حقوق بشر سازمان ملل توجه فزاینده‌ای را به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در برگزاری اجتماعات اختصاص داده است. مثلاً، این شورا در سال ۲۰۱۴ قطعنامه شماره ۳۸/۲۵ را برای تعیین گزارشگر ویژه جهت بررسی وضعیت آزادی تجمعات و نحوه اجرای این حق مصوب کرد.^۲ در جمع‌بندی گزارشگر ویژه آمده است که «اجتماعات مسالمت‌آمیز می‌توانند نقشی حیاتی در حمایت و تحقق حقوق بشر و زندگی دموکراتیک ایفا کنند. اجتماعات نباید به‌عنوان یک تهدید در نظر گرفته شوند، بلکه باید به‌عنوان وسیله‌ای برای گفت‌وگو در نظر گرفته شده و دولت‌ها نیز باید در آن مشارکت کنند».^۳

حق اجتماع مسالمت‌آمیز (The Right to Peaceful Assembly) به تعبیر برخی نویسندگان از این نظر که معمولاً همراه با سخنرانی یا انتشار قطعنامه پایانی است که بیان‌کننده خواسته آنها بوده و از این طریق پیام خود را به مخاطبان ارسال یا در رسانه‌ها منعکس می‌کند، در شمول آزادی بیان در مفهوم موسع هم قرار می‌گیرد.^۴ درعین حال، به‌منزله حق مستقلی هم ذکر شده و به تعبیر یکی از نویسندگان، «یک آزادی دو ارزشی یا دو جلوه‌ای»^۵ تلقی می‌شود؛ بنابراین مبانی که در حقوق بشر برای آزادی بیان ذکر می‌شود، از قبیل توجیه بر مبنای کشف حقیقت (Argument from truth)، توجیه بر مبنای خود شکوفایی فردی، (Argument from self-fulfillment) و توجیه بر مبنای ارزش دموکراسی، (Argument from democracy) در مورد شیوه‌ای که ممکن است اقلیت برای بیان نظر خود از طریق تشکیل اجتماع برگزینند، قابل

1. Kai Siegert, "The Police and the Human Right to Peaceful Assembly," in *The Police and International Human Rights Law*, eds. Ralf Alleweldt & Guido Fickenscher (Springer, 2018): 219.

2. "Joint report of the Special Rapporteur on the rights to freedom of peaceful assembly and of association and the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions on the proper management of assemblies" United Nations (A/HRC/31/66), 2016: 1, <https://documents-dds.ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G16/018/13/PDF/G1601813>.

3. United Nations (A/HRC/31/66), 2016: 22.

4. Richard Stone, *Civil liberties & human rights* (UK: Oxford University Press, 2014), 375.

5. سید محمد قاری سیدفاطمی، «توسعه قلمرو و تضمین محدودیت: آزادی بیان در آینه حقوق بشر معاصر، مبانی نظری و پیامدهای حقوقی»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱ (بهار ۱۳۸۴): ۲۴۴.

استفاده است.^۶ بر این اساس، در مورد آزادی اجتماعات می‌توان از یک سو به مبانی مورد اشاره در آزادی بیان اشاره کرد و اینکه آزادی تجمع هم یکی از شقوق آزادی بیان است و از طرف دیگر به این موضوع که ممکن است مطالبه یا درخواستی در جامعه مطرح باشد که نظام سیاسی یا رسانه‌ها تمایل یا انگیزه‌ای در پرداختن به آنها نداشته باشند و این مطالبه‌ها از طریق تشکیل اجتماع و راهپیمایی امکان دیده شدن و پیگیری پیدا می‌کنند.^۷ از سوی دیگر، آزادی اجتماعات مانند بسیاری از حقوق و آزادی‌ها، مطلق نیست و همان‌گونه که در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ میثاق حقوق مدنی سیاسی یادآوری شده است، تضمین این حق توسط قانون و در یک جامعه مردم‌سالار با ملاحظه امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی و ... تضمین می‌شود. در اصول متعدد قانون اساسی ایران نیز برخی آزادی‌ها به صراحت موقوف به رعایت شرایط قانونی شده یا به صورت عام در اصل ۴۰ ق.ا. تصریح شده که «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». همچنین دیدگاهی هم وجود دارد که اصول مختلف قانون اساسی، نقش قید منفصل نسبت به آزادی‌های مورد حمایت در این قانون را ایفا می‌کنند^۸ و با وجود اکتفای قانون‌گذار بر دو قید در اصل ۲۷، منعی برای تحدید آزادی‌ها از طریق وضع قانون جدید یا تفسیر قانون اساسی با ملاحظه قیود منفصل مورد اشاره وجود ندارد. بررسی مبانی آزادی تجمعات مورد نظر این تحقیق نیست و با توجه به ادبیات موجود، صرفاً دلایلی که در حقوق اسلامی می‌تواند بر آزادی تجمع در عرصه عمومی مورد استناد قرار گیرد اشاره و مقررات موضوعه ایران در این خصوص مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

با توجه به الزام و تعهد ناشی از الحاق یا پذیرش اسناد حقوق بشری، حق تشکیل یا شرکت در تجمعات مسالمت‌آمیز در قوانین اساسی ۱۸۰ عضو از ۱۹۳ عضو سازمان ملل پیش‌بینی شده است.^۹ در ایران، در اصل ۲۱ متمم قانون اساسی مشروطیت، آزادی اجتماعاتی که «مولد فتنه دینی» نباشد و مجتبعین با خود سلاح نداشته نباشند آزاد اعلام شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بخش حقوق اساسی ملت و در اصل ۲۷، آزادی اجتماعات با ذکر

6. Stone, *Civil liberties*, 2012: 285- 287.

7. Stone, *Civil liberties*, 2012: 375.

۸. رفیعی علوی، سید احسان، «بررسی فقهی حقوقی اصل ۲۷ قانون اساسی در پرتو طرح تقنینی نحوه برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات»، *فصلنامه دانش حقوق عمومی* ۹، شماره ۳۰ (زمستان ۱۳۹۹): ۶۱.

9. Neil Jarman, and Michael Hamilton, "Protecting Peaceful Protest: The OSCE/ODIHR and Freedom of Peaceful Assembly," *Journal of Human Rights Practice*, no. 2 (June 2009): 6.

دو قید «عدم اخلال به مبانی اسلام و عدم حمل سلاح» به رسمیت شناخته است. مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی حاکی از دغدغه هم‌زمان امنیت و آزادی در این موضوع اساسی است و در نهایت با قیود حداقلی «عدم اخلال به مبانی اسلام و عدم حمل سلاح» مورد تصویب قرار گرفته است. با این وجود، در عمل، مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و امنیتی غلبه داشته و با وجود اینکه اجرای اصل ۲۷ بر تصویب قانون عادی موقوف نشده و طبعاً هیچ مقرر دیگری نباید اطلاق و عموم آن را محدود کند، شاهد اجرای صحیح این اصل نبوده‌ایم. نکته شایان توجه، بی‌اعتنایی به جنبه اسلامیت اصل ۲۷ ق.ا است. بعد از تجربه حدود نیم قرن حکومت جمهوری اسلامی، با ملاحظه آموزه‌های اسلامی پشتیبان بسیاری از اصول قانون اساسی، این پرسش مهم جلوه می‌کند که چرا بسیاری از اصول قانون اساسی که مستظهر به اصول و موازین دینی است و با توجه به بنیاد تفکر مذهبی و اسلامی لباس قانون پوشیده است، در اجرا یا تضمین حقوقی با تضییق و چالش مواجه است؟ با توجه به این موارد، نگارنده در این مقاله این چالش را دستمایه تحقیق و بررسی موضوع قرار داده و ضمن بازپژوهی در آموزه‌های دینی مرتبط با حق اجتماع مسالمت‌آمیز، (۱) مدل‌های تضمین حق تشکیل اجتماعات در عرصه عمومی در قوانین برخی کشورها را بررسی (۲) و در نهایت، نحوه تضمین حق اجتماع مسالمت‌آمیز در قوانین و طرح‌های در دست بررسی را ذکر نموده است.

۲. حق اعتراض از منظر آموزه‌های دینی

با وجود اینکه حق تشکیل گروه و حزب و اقدام به برگزاری اجتماعات و تظاهرات از موضوعات حقوق اساسی مدرن بوده و در اسناد حقوق بشر بین‌المللی و منطقه‌ای و قانون اساسی کشورها به‌مثابه دستاوردهای مدرن بشری محسوب می‌شوند، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعلیمات دینی و به صورت خاص آموزه‌های اسلامی، به شکل گسترده‌ای به این موضوع پرداخته‌اند و صرف‌نظر از رویه و عمل حاکمان اسلامی که غالباً تضمین‌کننده و حمایت‌کننده خوبی در این خصوص نبوده‌اند، مبانی و زمینه‌های شناسایی این حقوق در آموزه‌های اسلامی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲.۱ آموزه امر به معروف و نهی از منکر

با توجه به پیشینه و ادبیات موجود در خصوص امر به معروف و نهی از منکر، در این مقاله صرفاً بر دو نکته تأکید می‌شود که یکی، طبیعت مشارکتی یا مردمی بودن این آموزه است و

شهروندان ساکن جامعه اسلامی در وضعیت اخوت و برادری دینی، با رعایت آداب و شرایط نسبت به دعوت به خیر و معروف و بازداشتن منکر اقدام می‌کنند و نه به منزله وظیفه سازمانی و حکومتی؛ و دیگری، تأکید بر اینکه گستره امر به معروف و نهی از منکر دامن حاکم اسلامی یا سیاست‌ها و رویه‌های حکومتی را هم دربرمی‌گیرد و اینگونه نیست که حکومت متولی تعیین معروف و منکر و اجرای آن نسبت به شهروندان شود و حاکمان یا نحوه حکمرانی از چهارچوب نظارت عمومی خارج باشد.

در مورد نکته اول، به نظر می‌رسد به دلیل بی‌توجهی یا آگاهانه، میان دو نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» و «حسبه» خلط شده است. نهاد «حسبه» که بر خلاف نهاد امر به معروف و نهی از منکر، جایگاهی در منابع اصلی اسلام، یعنی قرآن و احادیث ندارد، برابر برخی بررسی‌های تاریخی از زمان منصور، دومین خلیفه عباسی (۱۵۸-۱۶۹ ق) یا فرزندش مهدی (۱۵۸-۱۶۹ ق) در جامعه اسلامی با نصب «والی حسبه» مرسوم و متداول شده^{۱۰} و به‌منزله نهادی حکومتی و اجرایی برای مداخله در امور عمومی جامعه از جمله نظم‌بخشی به بازارها و نظارت بر کسب‌وکارها، بهداشت عمومی و پیشگیری یا مقابله با ناهنجاری‌ها یا جرائم خرد معرفی شده و شأن مأمور حسبه «محتسب» شان نظارتی، اجرایی و قضایی است.^{۱۱} درعین‌حال، به مأموران منصوب حکومتی که شأن اجرایی و قضایی داشتند، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر هم واگذار شده^{۱۲} و گزارش‌هایی در خصوص خروج از حد وظیفه و عدم رعایت موازین یا ورود به حوزه خصوصی توسط این افراد هم وجود دارد^{۱۳} و همه شواهد و گزارش‌ها در این جهت اشتراک دارند که محتسبان مأموران دولتی و حکومتی بودند که وظایفی بر عهده داشتند و طبعاً چون مأمور حکومتی بودند، نمی‌توانستند نسبت به شخص حاکم یا افراد مافوق خود، امر و نهی، اعمال سیاست یا تعزیر داشته باشند و در عمل، واگذاری اختیار امر به معروف و نهی از منکر به مأموران حسبه، به گونه‌ای دولتی‌کردن این آموزه مهم بوده است.^{۱۴}

۱۰. حمید قنبری، «مقایسه آرای امامیه و اهل سنت در حسبه و امور حسبیه»، فصلنامه فقه و اصول ۳۵، شماره ۳ (آبان ۱۳۸۲): ۱۰۷.
۱۱. محمدحسین ساکت، *دادرسی در حقوق اسلامی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲)، ۴۰۰-۳۹۹.
۱۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۴۰۱)، ۲۲۵؛ نظام الملک (ابوعلی حسین بن علی)، *سیاستنامه*، تصحیح و مقدمه مرتضی مدرسسی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸)، ۶۰.
۱۳. احمد بادکوبه‌هراوه‌ای، «بنیادهای سازمان حسبه از آغاز تا پایان دوره اموی»، مقالات و بررسی‌ها (دفتر ۷۱، ۱۳۸۱): ۳۱۲.
۱۴. حسین آقابابایی، *حرم خصوصی در حقوق کیفری اسلام* (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷)، ۱۴۱.

امر به معروف و نهی از منکر، بیش از آنکه اجرایی و حکومتی باشد، مشارکت عمومی و احساس مسئولیت شهروندان در مواجهه با مسائل جامعه نسبت به کنش‌ها و واکنش‌های شهروندان و نظارت عمومی شهروندان بر دولت و عملکرد نهادهای حکومتی است که در حقیقت با ارتزاق از بیت‌المال و امکاناتی که به امانت در دست ایشان است، ممکن است رعایت امانت را نکنند یا اینگونه به نظر برسد که امانت‌داری نمی‌کنند. با این نگاه، شاید یکی از نقاط اساسی اختلاف در بین علمای اسلامی در انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکمان مسلمان باشد. به این بیان که در میان فقهای شیعه این گفتمان مسلط و غیر قابل تردید قابل رصد است که امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکمان به‌خصوص حاکم جائز را نه تنها جایز، بلکه افضل الجهاد می‌خوانند؛ مثلاً، نهضت امام حسین (علیه السلام) در کربلا قابل ذکر است که جذاب‌ترین وجه آن، امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حاکم زمان و اصلاح امر امت اسلامی است.^{۱۵} از سوی دیگر، در اردوگاه فقهی اهل سنت، نه تنها این دیدگاه گفتمان غالب نیست، بلکه ادبیات ممنوع‌کننده در این خصوص غلبه دارد و برخی دیدگاه‌ها، تصریح دارند که نسبت به حاکم اسلامی ولو ظالم و جائز باشد، امر به معروف و نهی از منکر جایز نیست و به مسلمانان توصیه بر صبر و دعا در برابر این منکر شده است.^{۱۶} جالب اینکه در دوره حاکمیت برخی پادشاهان متظاهر به حمایت از مذهب تشیع، همین همدلی با حاکمان از طرف برخی علمای شیعه تشویق شده است.^{۱۷} هرچند تحلیل این شواهد تاریخی، محل بحث این مقاله نیست، نکته‌ای که در استناد به این آموزه قابل ذکر است این است که اگر موضوعی از نظر شهروندان منکر تلقی و اصلاح آن ضرورت داشته باشد، یک روش معقول و بی‌هزینه آن، اعلام نظر از طریق گردهمایی مسالمت‌آمیز است و انتظار از یک حکومت مردم‌سالار، فراهم کردن فرصت و تحمل مخالفت با سیاست یا رویه جاری حکومتی است و با توجه به نقش افکار عمومی در جامعه امروز، همان‌گونه که تصمیم‌سازی و اجرای آن فرایندی است که توسط اجزای حکومت انجام می‌شود، اعلام نظر یا مخالفت با آن هم لازم است از طریق سازمان‌ها، احزاب، گروه‌های مرجع و در عرصه عمومی صورت گیرد؛ و

۱۵. اَبِي لَمْ اُخْرِجْ اَشْرًا وَّ لَا بَطْرًا وَّ لَا مُفْسِدًا وَّ لَا ظَالِمًا وَّ اِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْاِصْلَاحِ فِي اُمَّةٍ جَدِي ص اُرِيدُ اَنْ اَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَّ اَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَّ اَسْبِغَ بِسَبِيْرِهِ جَدِي وَّ اَبِي عَلِيٍّ بِنِ اَبِي طَالِبٍ (علیه السلام).

۱۶. عبدالرحمن ابن‌خلدون، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۴۰۱)، ۴۱۷؛ ابن‌قیم الجوزیه، اعلام الموقعین عن رب العالمین، جلد ۳ (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱)، ۶.

۱۷. مجلسی، محمدباقرین محمدتقی، عین‌الحیات، چاپ سوم (تهران: انتشارات قدیانی، ۱۳۹۱)، ۴۹۱؛ بهاء‌الدین قهرمان‌نژاد و دیگران، «تعامل با سلطان جور در اندیشه شیخ مفید»، نشریه فقه ۲۱، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۳): ۱۰۳؛ سید صادق حقیقت، «فقه سیاسی و نقش دوگانه مصلحت»، نشریه شیعه‌شناسی، شماره ۳۲ (زمستان ۱۳۸۹): ۳۰.

همان‌طور که امر به معروف و نهی از منکر و تذکر زبانی و عند الاقتضاء مراحل دیگر مقید به احتمال تأثیر است، هیچ دلیل یا قرینه‌ای در مدارک این آموزه که انجام آن را نسبت به حکومت در عرصه عمومی مجاز نداند دیده نشد و با توجه به سازوکارهای حضور در عرصه عمومی در دنیای مدرن و عدم دسترسی مستقیم به مقامات، امر به معروف و نهی از منکر نسبت به حکومت، در عرصه عمومی تأثیر بیشتری خواهد داشت. در قانون اساسی ایران، نظارت همگانی و نظارت مردم بر مردم و مردم بر دولت و حکومت در اصل هشتم پذیرفته شده و در قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (۱۳۹۴)» هرچند امکان امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مقامات و مسئولان در همه رده‌ها مورد توجه قرار گرفته، سازوکاری برای اجرای آن نسبت به نحوه حکمرانی پیش‌بینی نشده و عمده توجه در این زمینه به تعریف وظایفی برای برخی اجزای حکومت برای امر به معروف یا نهی از منکر نسبت به مردم یا حمایت از آمران به معروف و نهی از منکر و تشویق به انجام یا جبران خسارت در صورت آسیب دیدن در اجرای این وظیفه معطوف شده است.

۲.۲ آموزه النصیحه لائمة المسلمین

یکی دیگر از آموزه‌های اسلامی که به صورت مستقل از بحث امر به معروف و نهی از منکر در کتاب‌های روایی و فقهی در همه مذاهب اسلامی مورد توجه است، «النصیحه لائمة المسلمین» است. برخی نویسندگان با تکیه بر مفهوم واژگان نصیحت و بیان ویژگی‌هایی برای فرد ناصح و محتوای نصیحت، موضوع را کاملاً متفاوت با امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند و وجود ادبیات مستقل و کتاب‌هایی با همین عنوان در دوره‌های مختلف اسلامی حکایت از وجود بابی جداگانه در گفتمان فقهی برای نصیحت کارگزاران اسلامی دارد.^{۱۸} برخی بین این دو اینگونه تفاوت گذاشته‌اند که ولایت ناشی از امر به معروف و نهی از منکر، به مرحله مداخلات فراتر از تذکر زبانی هم قابل گسترش است، اما ولایت ناشی از آموزه نصیحت (ولایت توأسی)، در حد خیرخواهی زبانی باقی می‌ماند؛^{۱۹} بنابراین هرچند نصیحت و تذکر به دیگری با نیت اصلاح و بهبود می‌تواند از مراتب امر به معروف و نهی از منکر و توسط هر کس و خطاب به هر کس باشد، ولی به لحاظ اینکه در این آموزه موضوع یا دریافت‌کنندگان نصیحت، متصدیان امور مسلمانان هستند، از مصادیق اهتمام به حقوق

۱۸. محمد سروش محلاتی، «نصیحت ائمه مسلمین»، مجله حکومت اسلامی، ۱، شماره ۱ (تابستان ۱۳۷۵): ۱۵۳.
۱۹. حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر محمود صلواتی، جلد ۸ (تهران: انتشارات سراسری، ۱۳۸۶)، ۳۰۹.

فروستان در برابر فرادستان است که ظرفیت دریافت توصیه‌های خیرخواهانه و نقدپذیری خود را افزایش داده و بسترهای دریافت نصایح یا بیان خطاهای حاکمان را فراهم سازند.

از منظر قانون اساسی ایران، بر خلاف امر به معروف و نهی از منکر که در اصل ۸ ق.ا. مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته، آموزه نصیحت کارگزاران به تصریح ذکر نشده و برخی نویسندگان تلاش کرده‌اند، واژه «دعوت به خیر» در صدر اصل ۸ ق.ا. را با استشهداد به مشروح مذاکرات، مشعر به همین آموزه بدانند و سازوکاری محدود جهت اجرای آن پیشنهاد دهند.^{۲۰}

صرف‌نظر از مدارک روایی و نسبت آن با بحث امر به معروف و نهی از منکر یا دلیل عدم ذکر صریح این آموزه در قانون اساسی و بی‌توجهی در تعیین سازوکار اجرای آن، آنچه به مناسبت بحث توجه به آن ضرورت دارد، اهمیت استفاده از این آموزه در عرصه عمومی است. با وجود اینکه در چهارچوب قانون اساسی و تفکیک قوا و فرایند انتخاب مقامات و مسئولین، مشاهده می‌شود، هر کدام از ارکان منتقد سیاست‌ها و اقدامات رکن دیگر یا مقامات قبل از خود هستند، یا در ملاقات‌های ارکان مختلف با رهبری نظام، ایشان به‌مثابه هماهنگ‌کننده قوا نصیحتی نسبت به آنها داشته و از برخی اقدامات و سیاست‌ها انتقاد می‌کنند؛ اما آنچه برای شهروندان اهمیت دارد، کارآمدی و دستاوردهای حاکمیت و نیل به وضع مطلوب است. اینکه کار ویژه مجلس خبرگان را نمایندگی مردم در مراقبت بر سنت و سیرت رهبری در حدوث و بقاء شرایط بدانیم^{۲۱} یا حاصل و دستاورد اصل ۸ ق.ا. را این بدانیم که مجلس خبرگان با سازوکارهای داخلی و محرمانه بتوانند نظارت بر دستگاه حکمرانی را با ارائه نصیحتی برای اصلاح سیاست‌ها انجام دهند،^{۲۲} با منطوق این اصل که دعوت به خیر را وظیفه‌ای همگانی می‌داند، مخالفت دارد و همان‌گونه که اشاره شد، در ماده ۸ قانون حمایت از امران به معروف و ناهیان از منکر نیز به حق همگانی برای «دعوت به خیر، نصیحت و ارشاد» مقامات و مسئولان تصریح شده است. آنچه می‌تواند آموزه نصیحت را کارآمد کند، ظرفیت‌سازی برای ابراز نظرات در حوزه‌های مختلف است که ممکن است در قالب احزاب یا گروه‌های سیاسی یا افراد مستقل فعالیت کنند. شنیده شدن سخن گروه‌ها و احزاب از مجرای افکار عمومی و عرصه عمومی امکان‌پذیر است و رسانه‌ها می‌توانند

۲۰. اکبر طلاچی، فیروز اصلانی و ولی‌الله حیدرینژاد، «جایگاه نصیحت امام مسلمین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۱۰ (زمستان ۱۳۹۳): ۲۱ و ۳۷.

۲۱. عبدالله جوادی املی، «جایگاه فقهی حقوقی مجلس خبرگان»، مجله حکومت/اسلامی، شماره ۸ (تابستان ۱۳۷۷): ۲۵.

۲۲. طلاچی، اصلانی و حیدرینژاد، «جایگاه نصیحت امام مسلمین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»: ۲۱ و ۳۷.

بلندگوی نظرات خیرخواهان باشند و تشکیل اجتماعات یا فعالیت در عرصه رسانه‌های مجازی نیز این منظور را محقق می‌سازد. به‌طور طبیعی هر چه امکان و ظرفیت حضور در عرصه عمومی با سهولت بیشتری همراه باشد، دریافت نصایح برای سیاست‌گذار آسان‌تر است و به‌طور طبیعی هر چه فرصت بروز نظرات کمتر و با تضییق بیشتری همراه باشد، حکمرانی از سطح نصیحت‌پذیری دورتر خواهد شد.

۲.۳. آموزه تظلم‌خواهی علنی

یکی دیگر از آموزه‌های اسلامی که در اینجا قابل طرح و بررسی است، اجازه دادخواهی علنی به کسی است که مورد ظلم واقع شده است. در تفسیر آیه ۱۴۸ سوره نساء^{۲۳} مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «خداوند آشکارسازی «سوء من القول» به معنای هر سخنی که درباره کسی گفته شود، مثل نفرین و فحش، چه فحشی که مشتمل بر بدی‌ها و عیب‌های طرف باشد و چه فحشی که در آن بدی‌هایی به دروغ به وی نسبت داده شود دوست ندارد، مگر کسی که به او ظلم شده است «الا من ظلم» که استثنای منقطع است... پس در حقیقت، خداوند دوست نمی‌دارد سخن زشت را با صدای بلند گفتن، لیکن کسی که مورد ظلم شخص یا اشخاصی قرار گرفته، می‌تواند در خصوص آن شخص یا اشخاص و در خصوص ظلمی که به وی رفته، سخن زشت و با صدای بلند بگوید».^{۲۴} همچنین در تفسیر نمونه در ذیل این آیه آمده است: «چنین افرادی برای دفاع از خویشتن در برابر ظلم ظالم حق دارند اقدام به شکایت کنند یا از مظالم و ستمگری‌ها آشکارا مذمت، انتقاد و غیبت نمایند و تا حق خود را نگیرند و دفع ستم نمایند از پای ننشینند»^{۲۵} و در تفسیر المنار آمده است: «به دلیل اینکه خداوند سکوت در برابر ظلم را دوست ندارد، در تعارض مفسده سکوت در برابر ظلم و مفسده آشکارسازی شکایت به هر وسیله ممکن را دارای ضرر کمتری می‌داند».^{۲۶}

در آیه بعدی، خداوند با این جمله که اگر در مورد بدی عفو کنید، خداوند عفوکننده و توانا است، در حقیقت، ضمن اینکه حقی را برای فردی که مورد ظلم واقع شده مقرر داشته، عفو را هم پیشنهاد نموده است. نکته ظریف قابل استفاده از این آیه این است که نه «جهر بالسوء» را

۲۳. ﴿لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾.

۲۴. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، جلد ۵ (قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸)، ۲۱۰.

۲۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد ۴ (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰)، ۲۴۲.

۲۶. محمد عبده و محمد رشید رضا، تفسیر المنار، جلد ۶ (قاهره: مطبعه المنار، ۱۹۴۷)، ۵.

منوط به احراز و اثبات ظلم دانسته و نه اینکه «جهر بالسوء» را در جایی روا دانسته است که تنها راه رفع ظلم، تظلم خواهی علنی باشد. بر این اساس، همان‌گونه که برخی مفسرین از این آیه استفاده عموم نموده‌اند،^{۲۷} می‌توان گفت که اگر فرد یا افرادی در نتیجه تصمیم یا اقدام فرد، سازمان یا ساختاری در حقوق استخدامی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند، صرف‌نظر از اینکه راه دیگری برای پیگیری مطالبات خویش دارند، حق دارند مظلومیت مورد ادعای خود را به صورت علنی اعلام کنند و این آشکارسازی فریاد مظلوم، به انجام هیچ فرایند اداری یا کسب مجوز و ... مقید نشده است.

با توجه به مراتب، از نظر نگارنده، اینکه پیشنهاددهندگان طرح «نحوه برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز»، در ماده یک طرح به آیه شریفه مورد بحث استناد کرده‌اند، از نظر توجه به این آموزه قرآنی و توجیه حضور شهروندان در عرصه عمومی از باب درخواست رفع ظلم پسندیده است، ولی انتقادی که قابل طرح است، نگاه تقلیل‌گرا به موضوع آزادی‌های بنیادین مورد نظر اصل ۲۷ ق.ا. در آزادی اجتماعات است؛ به عبارت دیگر، با ذکر این آیه در طلیعه طرح مورد اشاره، به نظر می‌رسد در منظومه فکری طراحان، صرفاً اشخاص، اصناف و جمعیت‌هایی که مطالبات صنفی دارند، می‌توانند در عرصه عمومی تجمع کنند؛ درحالی‌که موضوع اصل ۲۷ عام است و به موضوعاتی فراتر از مطالبات صنفی می‌پردازد؛ بنابراین حساسیت افکار عمومی نسبت به موضوعات حقوق بشری، محیط‌زیست، حقوق حیوانات، جنگ‌افروزی قدرت‌ها، حقوق اقلیت‌های قومی و نژادی صرف‌نظر از اینکه در چه جغرافیایی و نسبت به چه کسانی اتفاق افتاده باشد، می‌تواند موضوع تجمع یا راهپیمایی باشد؛ همان‌گونه که دفاع از مظلوم یا ملت‌های تحت ستم، صرف‌نظر از اینکه در چه کشوری هستند یا چه ارتباطی بین دولت متبوع فرد با دولت متبوع مظلومان برقرار است، می‌تواند موضوع تجمع باشد. با توجه به این برداشت، به نظر می‌رسد همان‌گونه که در طرح مورد اشاره به درستی به حق تظلم خواهی بدون کسب اجازه قبلی با استناد به این آیه اشاره شده، این آموزه می‌تواند در دایره وسیع‌تر و معنایی عام از حقوق شهروندی و مفهوم ظلم، برای تثبیت حق تجمع بدون محدودیت‌های غیرشرعی و قانونی، مورد استناد قرار گیرد.

۲۷. طباطبایی، المیزان، ۵: ۲۰۴؛ عبده و رشید رضا، المنار، ۶: ۵.

۳. تضمین حق اجتماع مسالمت‌آمیز از منظر حقوقی

پس از اینکه برخی آموزه‌های اسلامی در خصوص حق و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت و ارشاد حاکمان، یا فریاد و تظلم‌خواهی علنی و در عرصه عمومی از طریق تجمع یا اعتراض مسالمت‌آمیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت، با توجه به عنوان مقاله، در خصوص مدل‌های حقوقی تضمین این حق در نظام‌های مختلف و نقد و ارزیابی مدل مورد عمل در نظام حقوقی ایران بحث را پیگیری می‌کنیم.

۳.۱. مدل‌های تضمین حق اجتماع مسالمت‌آمیز در عرصه عمومی

حق سازماندهی اجتماعات در عرصه عمومی، به‌منزله یک حق بنیادین و اساسی مورد تأکید موازین حقوق بشری است و محدودیت‌هایی بیش از آنچه در مقررات حقوق بشری مقرر شده نباید در قوانین ملی پیش‌بینی شود و به‌منزله یک حق مشروع جهت استفاده از زمان، مکان و کیفیت رساندن پیام به مخاطب مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد.^{۲۸} با وجود این، تضمین این حق مانند سایر حقوق بنیادین، به صورت مطلق نیست و با تحدید یا مداخلاتی قبل، حین یا بعد از برگزاری اجتماعات همراه است.^{۲۹} تضمین حق برگزاری اجتماع، متناسب با شرایط سیاسی و اجتماعی کشورها در یکی از سه مدل زیر در قوانین اساسی و عادی کشورها پیش‌بینی شده است:

۳.۱.۱ مدل مجوز قبلی (advance permission)

منظور از مدل مجوز مدار این است که با وجود شناسایی حق تشکیل اجتماع یا اعتراضات علنی، استفاده از این حق، منوط به کسب مجوز قبلی از طرف نهادهای ذی‌ربط شده است. با وجود اینکه وضع مقررات و ضوابط داخلی برای استفاده از این حق با توجه به نظم عمومی یا جلوگیری از ضرر به دیگران، قابل پذیرش است و در ماده ۲۱ میثاق حقوق سیاسی و اجتماعی نیز بهره‌مندی از این حق را به رعایت «قانون» منوط کرده است، اما این مدل محدودکننده حق تشکیل اجتماعات خواهد بود زیرا یک قدرت انحصاری و غیر قابل نظارت به دولت خواهد داد تا با مداخلات خود و درخواست ارائه جزئیات تجمع یا محتوای شعارها یا نام سخنرانان، نه تنها حق تشکیل تجمع را محدود سازند، بلکه آزادی بیان را هم به مسلخ برده و

28. OSCE, Guidelines on freedom of peaceful assembly, Second edition, Office for Democratic Institutions and Human Rights, Warsaw, 2012: 17.

29. Kai Siebert, *The Police and the Human Right*, 2018: 224.

از تشکیل یا سازمان یافتن هرگونه تجمع به خصوص اگر سیاست‌های حاکمیت را به چالش بکشد جلوگیری نمایند.^{۳۰} به همین دلیل کمیته حقوق بشر در قضیه کیونما علیه دولت فنلاند، تلویحاً کسب اجازه قبلی برای تجمع‌های خیابانی را قابل قبول نمی‌داند.^{۳۱} بررسی مقررات جاری کشورهای اروپایی حاکی است که کشور بلژیک اجتماعات در فضای باز را به دریافت مجوز منوط کرده و کشور ترکیه، با وجود اینکه در اصل ۳۴ قانون اساسی بر کفایت اطلاع قبلی تأکید دارد، با توجه به مقررات محدودکننده دیگر، عملاً مجوز محور است. (advance notification) از سوی دیگر، در کشور روسیه و صربستان، تلاش شده برگزاری اجتماعات در مکان‌های از قبل تعیین شده مدیریت شود و در صورتی که متقاضی خواستار برگزاری تجمع در مکان دیگری است، باید با نظر مقامات مربوط فرایندی طی شود که به دلیل طولانی شدن، گاه انجام تجمع و بهره‌مندی از این حق بلاموضوع می‌شود.^{۳۲} در ایران، بر خلاف ضوابط مقرر در اصل ۲۷ ق.ا که برگزاری تجمع را به کسب مجوز قبلی منوط نکرده، بر اساس برخی مقررات محدودکننده، در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی مدل کسب مجوز قبلی مورد عمل بوده و به همین دلیل به جز تجمع‌هایی که برای حمایت یا در راستای سیاست‌های حاکمیت برگزار می‌شود، اشخاص یا تشکلهای نوعاً قادر به کسب مجوز برای تجمع‌های اعتراضی یا سیاسی و اجتماعی نمی‌شوند و به تبع آن، پلیس از هرگونه تجمع بدون مجوز پیشگیری و در صورت مقاومت ممکن است به خشونت و استفاده از زور منجر شود.

۲.۱.۳ مدل اطلاع قبلی (advance notification)

در این مدل، حق برگزاری تجمع با اطلاع قبلی تضمین شده است. اطلاع قبلی علاوه بر اینکه برقراری نظم تجمع را میسر می‌کند، از ایجاد مزاحمت برای دیگران یا تداخل اجتماعات در مکان واحد ممانعت و امنیت اجتماع‌کنندگان و پیشگیری از مداخله برهم زندگان اجتماعات قانونی یا گروه‌های خودسر را تأمین و پلیس یا سایر مقامات را در صورت بروز هر حادثه غیرمترقبه پاسخگو خواهد نمود. درعین حال، همواره تأکید می‌شود که در خصوص «تجمعات خودجوش» (Simultaneous assemblies) باید استثنایی قائل شد.^{۳۳}

30. Kai Siegert, *The Police and the Human Right*, 2018: 225.

۳۱. رضا اسلامی و محمدمهدی کمالوند، «چالش‌های آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۰ (بهار - تابستان ۱۳۹۳): ۲۰۴.

32. Anne Peters, and Isabelle Ley, *Comparative Study: Freedom of Peaceful Assembly in Europe* (Germany, Max Planck Institute for Comparative Public and International Law, 2014): 82,159.

33. OSCE, *Guidelines on freedom*, 2012: 18, <https://www.osce.org/baku/105947>.

بیشتر کشورهای اروپایی، در مورد تجمع در فضای عمومی، روش اطلاع قبل از اجرای برنامه را لازم می‌دانند. (advance notification) نظام بین‌المللی حقوق بشر جهت تشکیل اجتماعات، اطلاع قبلی را منافی با تضمین این حق نمی‌داند، با این حال، یکی از مسائل مهم این است که عدم اطلاع، چه ضمانت اجرایی در پی خواهد داشت؟ در این زمینه رویه کشورهای متفاوت است. در انگلستان، اطلاع ندادن یک جرم کوچک محسوب می‌شود و در آلمان، در صورتی که توجیه قابل قبولی برای عدم اطلاع ارائه نشود، مجوزی برای پراکنده کردن تجمع‌کنندگان است که البته تشخیص موضوع عدم امکان اعلام قبلی در دادگاه قانون اساسی این کشور قابل ارزیابی است.^{۳۴} علاوه بر این، تحمل کشورها در خصوص تجمعات خودجوش، تجمع‌های مبتنی بر فراخوان از طریق شبکه‌های اجتماعی (Flashmobs) و ناشناس ماندن اجتماع‌کنندگان (anonymity of protestors) یا صلاحیت افرادی که می‌توانند دعوت‌کننده یا سازمان‌دهنده اجتماعات باشند (capacity of persons of being an organizer) مباحث دیگری است که کشورها در مورد آن رویه‌های متفاوتی دارند.^{۳۵}

۳.۱.۳ مدل تعقیب پسینی

منظور از مدل تعقیب پسینی این است که برپایی اجتماع در فضای عمومی نه نیازمند اجازه پیشین و نه اطلاع قبلی است،^{۳۶} ولی چنانچه در نتیجه برگزاری تجمع، ضرری به دیگری وارد شد یا جرمی اتفاق افتاد، برگزارکنندگان تجمع یا مباحثان جرم واقع شده مسئولیت دارند.^{۳۷} این مدل به دلیل اینکه هیچ‌گونه تحدیدی نسبت به حق برگزاری تجمع ندارد، آزادترین روش در برگزاری تجمع است، زیرا به هر حال مسئولیت جبران خسارت یا بزه ارتكابی در دو مدل قبلی هم وجود دارد. به تعبیر دیگر، در جایی هم که برگزاری تجمع با طی بروکراسی پیچیده دریافت مجوز امکان‌پذیر شده است یا بر اساس اطلاع به مقامات مسئول برگزار شده است، مسئولیت پسینی برگزارکنندگان در صورت انتساب خسارت به ایشان یا ارتكاب جرم از طرف مسئولین برگزاری یا شرکت‌کنندگان منتفی نبوده و چه‌بسا در مجوز صادره یا تعهداتی که از متقاضی یا برگزارکننده تجمع گرفته می‌شود، به این مسائل اشاره شود. در برخی کشورها از جمله برخی ایالت‌های آمریکا، الزام به تنظیم قرارداد با بیمه برای جبران هزینه‌های احتمالی از

34. Anne Peters, and Isabelle Ley, *Comparative Study*, 2014:149.

35. Anne Peters, and Isabelle Ley, *Comparative Study*: 159.

36. OSCE/ODIHR Annual Report 2010, <https://www.osce.org/odihr/77665>.

37. Kai Siebert, *The Police and the Human Right*, 2018: 225.

جمله نظافت و جبران خسارت پیش‌بینی شده است^{۳۸} در برخی کشورها، شاهد جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری یا اداری برای برگزارکنندگان هستیم. البته برخی کشورها مانند آلمان و روسیه، مقرراتی که برای برگزارکنندگان مسئولیت مقرر کرده به دلیل اینکه سبب کاهش انگیزه برگزاری تجمعات می‌شود در دادگاه قانون اساسی نقض کردند.^{۳۹} با توجه به مدل‌های اشاره‌شده، تردیدی نیست که از منظر مطلق‌نگری و عدم هرگونه تحدید نسبت به آزادی تشکیل اجتماعات اعتراضی در عرصه عمومی، مدل سوم ایدئال است؛ اما به لحاظ ملاحظات مختلفی که کشورها دارند، برخی به صورت شرایط تحدیدکننده متصل و برخی به صورت شرایط تحدیدی منفصل و در ضمن ضوابط مقرر برای تشکیل احزاب یا گروه‌ها که مصدر اصلی استفاده از این حق هستند، قیود محدودکننده‌ای برای حق تشکیل تجمع و اعتراض در عرصه عمومی مقرر داشته‌اند. با توجه به آشنایی اجمالی با مدل‌های رایج در این خصوص، مدل استفاده‌شده در نظام حقوقی ایران را بررسی می‌کنیم.

۳.۲. تضمین حق برگزاری اجتماعات مسالمت‌آمیز در حقوق ایران

۱.۲.۳ قانون اساسی

در اصل ۲۱ متمم قانون اساسی مشروطیت، با ذکر قیودی به آزادی تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات تصریح شده است. در این اصل، هرچند به صراحت به دریافت مجوز قبل از برگزاری تجمع اشاره نشده، اما قیود متصل متعددی ذکر شده که می‌تواند مانع برگزاری آزاد اجتماعات باشد. همراه کردن «انجمن‌ها» و «اجتماعات» در این اصل نیز این برداشت را تداعی می‌کند که آزادی اجتماعاتی که انجمن‌ها متقاضی آن هستند با این قیود همراه است. علاوه بر اینکه در این قانون، اجازه اعلام وضعیت اضطراری و حکومت نظامی هم داده شده بود که با تقاضای دولت و موافقت سخاوتمندانه مجلس، به دفعات از این ظرفیت هم استفاده شد.^{۴۰} بر اساس ماده ۱۰ قانون حکومت نظامی مورخ ۲۷ سرطان ۱۳۲۹ «اجتماعات و انجمن‌ها در مدت حکومت نظامی باید به کلی موقوف و متروک باشد...».

برابر مشروح مذاکرات قانون اساسی،^{۴۱} یکی از اصولی که تلاش شده محدودیت یا قیدی

38. Anne Peters, and Isabelle Ley, *Comparative Study*, 2014: 155.

39. Anne Peters, and Isabelle Ley, *Comparative Study*, 2014: 155.

۴۰. حسین آقابابایی، قلمرو/منیت در حقوق کیفری (تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹)، ۳۳۶.

۴۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴)، اصل ۲۷.

که بعداً مورد سوءاستفاده قرار گیرد در آن درج نشود، اصل ۲۷ ق.ا است که به دو قید («مسلحانه نباشد و مخل به مبانی اسلام نباشد») اکتفا شده است. با وجود این، آنچه در عمل واقع شده و در قوانین عادی و شیوه‌نامه‌های اجرایی انعکاس یافته با مفاد اصل ۲۷ هماهنگی ندارد که در بخش بعدی بررسی می‌شود.

۲.۲.۳. قوانین عادی

با توجه به اینکه اجرای اصل ۲۷ ق.ا به تصویب قانون عادی موکول نشده است، در خصوص اجرای مفاد این اصل تاکنون قانونی وضع نشده، ولی در قوانین عادی مرتبط با اصول دیگر یا شیوه‌نامه‌ها و مصوبات اجرایی، اطلاق اصل ۲۷ مورد تحدید جدی قرار گرفته است.

اصل ۲۶ ق.ا به تشکیل احزاب و جمعیت‌ها پرداخته و شرایط فعالیت آنها را برشمرده است. در قانون فعالیت احزاب،... مصوب ۶/۷/۱۳۶۰ که در کوران جنگ تحمیلی عراق به ایران و منازعات داخلی گروه‌های سیاسی تصویب شده، در فصل دوم با عنوان حقوق گروه‌ها و در تبصره ۲ ماده ۶ آمده است «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میدین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است». در این ماده که به نظر سنگ بنای تحدید آزادی اجتماعات است، دو عامل محدودکننده مورد تصریح قرار گرفته است یکی، اینکه اصولاً تشکیل اجتماعات را به منزله حقوق گروه‌ها برشمرده است درحالی‌که امکان بهره‌مندی از حق تشکیل اجتماع مسالمت‌آمیز برای اشخاص عادی که امکانات رسانه‌ای احزاب و گروه‌ها برای بیان مطالبات خود را ندارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است^{۴۲} و از نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل این محدودیت‌ها پذیرفته نیست^{۴۳} و نکته مهم‌تر اینکه بر خلاف اصل ۲۷، تشکیل اجتماعات را به دو قسم اطلاع‌محور و مجوزمحور تقسیم کرده است. آیین‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۶۱، محدودیت‌های تشکیل اجتماعات را توسعه بیشتری داده و در مواد ۲۸ به بعد، اصولاً تشکیل هر اجتماعی را منوط به «تقاضا» نموده و در ماده ۳۲ وظایف گروه در تهیه و تحویل تقاضا را به ذکر جزئیات کامل نام سخنرانان و موضوع سخنرانی و شعارها و نسخه‌ای از قطعنامه و... مقید نموده است؛ بنابراین اگر در قانون، فقط برگزاری اجتماع در میدان‌ها و پارک‌ها منوط به دریافت مجوز بود، در آیین‌نامه، هرگونه تجمع مجاز که توسط گروه‌ها قابل تقاضاست، منوط

42. Kai Siegert, *The Police and the Human Right*, 2018: 218.

43. United Nations (A/HRC/31/66), 2016: 5.

به کسب اجازه از وزارت کشور شده است. ضمن اینکه کماکان برگزاری هرگونه تجمع با تقاضای یک گروه یا حزب و انجمن امکان‌پذیر است و در خصوص تقاضای اشخاص حقیقی تصریحی نداریم.

در سال ۱۳۹۵ شاهد تصویب «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» هستیم که بر اساس طرح پیشنهادی نمایندگان و تأیید نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۲۶ / ۸ / ۱۳۹۵ ابلاغ شده است. در ماده ۱۳ این قانون ذیل عنوان «حقوق و مسئولیت‌ها تصریح شده» که احزاب دارای پروانه فعالیت در چهارچوب قوانین و مقررات جمهوری اسلامی و برابر مفاد این قانون از حقوق و امتیازات زیر برخوردارند که از جمله آنها در «بند خ» به برگزاری راهپیمایی‌ها و تشکیل اجتماعات حسب مورد با اطلاع و صدور مجوز وزارت کشور و استاندار با رعایت بند ۶ ماده ۱۱ و اصل ۲۷ ق.ا اشاره شده است؛ بنابراین در این قانون نیز مسیر تحدید حق برگزاری اجتماعات تکرار شده است و آوردن عبارت «با اطلاع و صدور مجوز» به صورت روشنی تشدید محدودیت نسبت به قانون سال ۱۳۶۰ است که مجوز را فقط در مورد میادین و پارک‌ها مطرح کرده بود. در آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور نیز در مواد ۸ تا ۱۱ همان محدودیت‌های مذکور در قانون تکرار و فقط برگزاری «مراسم عمومی» که در مکان محصور یا مسقف انجام می‌شود، به شرط اعلام نام سخنرانان و تعهد برقراری نظم داخلی مراسم، با اطلاع قبلی به فرماندار مربوط مجاز دانسته شده است. تعبیر به مراسم عمومی که معمولاً با تجمع‌های مناسبتی و مذهبی تبادل ذهنی دارد، حکایت از تعمیق تحدیدات در تقابل با مفاد اصل ۲۷ ق.ا است. در پایان این قسمت لازم است بی‌توجهی شورای نگهبان قانون اساسی نیز در تأیید این قوانین تحدیدکننده یادآوری شود. به خصوص که شاهد کاهش حساسیت این شورا به نقض قانون اساسی هستیم. توضیح اینکه در «قانون فعالیت احزاب ... مصوب ۱۳۶۰» که در تبصره ۲ ماده ۶ برگزاری راهپیمایی و تجمع در «معايير عمومی» منوط به دریافت مجوز شده بود، با ایراد شورا مواجه شد که «با توجه به اینکه اصولاً راهپیمایی در غیر معابر عمومی مصداق ندارد و طبق اصل ۲۷ ق.ا تشکیل راهپیمایی بدون حمل سلاح و در صورتی که محل به مبانی اسلام نباشد بدون قید دیگری آزاد است، مغایر قانون اساسی است»^{۴۴} و به دلیل این ایراد در مصوبه نهایی مجلس، کلمه شوارع عمومی حذف شد و شورا با همین اصلاح متقاعد شد درحالی که اصل ۲۷ ق.ا راهپیمایی در هیچ

۴۴. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (اصل ۲۷)، تدوین محمد فتحی (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳)، ۲.

حق اجتماع مسالمت‌آمیز در عرصه عمومی در... / آقابابایی ۱۰۳

مکانی را منوط به دریافت مجوز نکرده و تفاوتی بین پارک و میدان و معبر عمومی نگذاشته است؛ عجیب‌تر اینکه شورا «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» مصوب ۱۳۹۵ را که هرگونه راهپیمایی و تجمع را منوط به «اطلاع و صدور مجوز» کرده است، بدون درنگ و هیچ مخالفتی موافق شرع و قانون اساسی تشخیص داده است.

۳.۳.۳ رویه دیوان عدالت اداری

یکی از اتفاقات تأمل‌برانگیز در موضوع مورد بحث، دخالت دیوان عدالت اداری و اعلام نظر در خصوص آزادی تجمعات قانونی است. با توجه به حوادث دی ماه ۱۳۹۶ و تشکیل اجتماعات مردمی در اعتراض به شرایط اقتصادی و...، یکی از مباحث مطرح در رسانه‌ها و افکار عمومی، لزوم تعیین محل‌هایی برای تجمع‌های مردمی بود که ضمن برقراری شرایط انجام اعتراضات مسالمت‌آمیز، مزاحمت برای کسب‌وکار مردم و مشکلات ترافیکی را به دنبال نداشته باشد. در همین زمینه هیئت دولت در تاریخ ۱۳۹۷/۳/۲۰ در مصوبه‌ای با عنوان «تعیین محل‌هایی برای تجمع و اعتراض» نسبت به تعیین محل‌هایی در شهر تهران و اعلام ملاک‌هایی برای تعیین محل تجمع در سایر شهرستان‌ها اقدام کرد. نکته مثبت این مصوبه، یکی این بود که برخلاف قوانین و مقرراتی که تاکنون در ایران تصویب شده بود، به امکان تجمع و اعتراضات مردم عادی که الزاماً به گروه و جمعیتی تعلق ندارند و در موضوعی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اعتراض دارند رسمیت و هویت می‌بخشید و دیگری اینکه پیشنهاد می‌کرد مردمی که اعتراض دارند، در محل‌های تعیین‌شده تجمع کنند و اشاره‌ای به درخواست مجوز پیشین در این خصوص نمی‌کرد. درحالی‌که قوانین و مقررات موجود که در ارتباط با اصل ۲۶ و ۲۷ ق.ا تصویب شده بودند، حق تشکیل اجتماعات را صرفاً برای احزاب و گروه‌ها مطرح می‌کردند و نوعاً مجوز مدار بودند. با توجه به دادخواستی که از طرف سه شهروند به دیوان عدالت اداری تقدیم و از تحدید آزادی اجتماعات مندرج در اصل ۲۷ ق.ا در مصوبه دولت شکایت و تقاضای ابطال مصوبه مذکور را نمودند. نکته جالب اینکه هیئت عمومی دیوان عدالت که در خصوص آیین‌نامه‌های اجرایی مورد بحث در قسمت قبل که همه محدودکننده آزادی اساسی مندرج در اصل ۲۷ ق.ا بودند اقدامی صورت نداده بود، در اینجا به‌منزله حمایت از آزادی اساسی مندرج در اصل ۲۷ نسبت به ابطال مصوبه هیئت‌وزیران اقدام کرد. نقطه تناقض رأی هیئت عمومی در این قسمت است که اعلام داشته است شرایط انجام اعتراضات و اجتماعات در «کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب» ذکر شده و هیئت‌وزیران

صلاحیت مداخله و ایجاد محدودیت ندارد،^{۴۵} درحالی که اولاً آن شرایط و کمیسیون مربوط راجع به درخواست‌های احزاب و گروه‌هاست و درخواست‌های مردمی را دربر نمی‌گیرد و ثانیاً، رویکرد قانون و آیین‌نامه‌های مورد اشاره تحدید آزادی‌های مندرج در اصل ۲۷ ق.ا است و برای حرمت نهادن به اصل ۲۷ نمی‌توان به مقررات نقض‌کننده آن اصل استناد کرد.

۴.۳.۳. لایحه و طرح پیشنهادی

۱.۴.۳.۳. لایحه پیشنهادی دولت

یکی از کوشش‌های مهم و البته بی‌سرانجام در این زمینه، تدوین پیش‌نویس لایحه‌ای با عنوان «تضمین آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها» است. این لایحه حاوی نکات مهمی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- الف. هر شخص حقیقی یا حقوقی می‌تواند نسبت به برگزاری تجمع اقدام نماید. (ماده ۱)
- ب. گرفتن مجوز برای برگزاری اجتماعات و راهپیمایی لازم نیست و برگزاری اجتماع و راهپیمایی در معابر عمومی شهر، مستلزم اطلاع قبلی است (ماده ۳)
- ج. تعیین مصادیق اخلال به مبانی اسلام مذکور در اصل ۲۷ ق.ا. این پیش‌نویس، مبانی اسلام را محصور در اصول پنج‌گانه دین و مذهب نموده و منظور از اخلال را «اهانت، ناسزا و شعار علیه اصول» مذکور دانسته است. (ماده ۱ و تبصره ۲)
- د. تعیین و اعلام اماکن ویژه جهت برگزاری اجتماع و راهپیمایی و اطلاع به عموم. (ماده ۴)
- ه. تأکید بر تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌ها توسط نیروی انتظامی و پیشگیری از مداخله افراد غیر مسئول و آموزش شیوه‌های صحیح مدیریت، حفظ امنیت و استانداردهای برگزاری اجتماعات. (ماده ۵ و ۶)
- و. پیش‌بینی مسئولیت اداری انتظامی و کیفری برای مسئولان مربوط در صورت فعل یا ترک فعل منافعی با تضمین حق اجتماعات و راهپیمایی‌ها. (ماده ۷)

در مجموع به نظر می‌رسد این لایحه با آگاهی به اقتضانات قانون اساسی و حقوق بشر بین‌المللی تهیه شده که البته با توجه به ملاحظات آنکه دولت وقت از نظر فرایند تصویب این لایحه داشته‌اند، به قوه مقننه ارسال نشده، ولی بخش‌هایی از آن در طرح جدید پیشنهادی مورد توجه قرار گرفته که اشاره می‌شود.

۴۵. علی بیاتی، «نظام حقوقی حاکم بر پاسداشت نظم عمومی و تضمین آزادی اجتماعات (با تأکید بر رویکرد دیوان عدالت اداری)»، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری، ۲، شماره ۲ (بهار ۱۳۹۹): ۸۹.

۳.۴.۳.۲. طرح پیشنهادی مجلس

بنابر سابقه موجود، طرحی به‌عنوان «طرح اجتماعات و راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز» در سال ۱۳۹۷ در مجلس دهم و مجدداً در مجلس یازدهم در سال ۱۴۰۰ اعلام وصول شده است. نسخه‌های متعددی از طرح پیشنهادی توسط نگارنده ملاحظه و در دستور کار مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است و از افراد صاحب نظر از منظر حقوقی، سیاسی و امنیتی نظرخواهی و جلسات استماع دیدگاه‌ها هم تشکیل شده، ولی هنوز در صحن علنی مطرح نشده است. برخی نکات مهم در طرح پیشنهادی به شرح زیر است:

۱. نظام مجوزمحور فعلی در مورد اجتماعات و راهپیمایی‌ها به نظام اطلاع‌محور تغییر یافته است که تحول مثبتی ارزیابی می‌شود و ناکارآمدی نظام مجوزمحور کنونی را نشان می‌دهد.
۲. حق تشکیل اجتماع و راهپیمایی برای اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته شده است. (ماده ۴)

۳. در ماده ۱ یکی از نسخه‌های طرح، در توجیه تشکیل اجتماعات مسالمت‌آمیز به موضوع امر به معروف و نهی از منکر و حق تظلم‌خواهی علنی که در آموزه‌های دینی در این مقاله مورد بحث قرار گرفته اشاره شده که ضمن اذعان به اهمیت این آموزه‌ها، به نظر می‌رسد نویسندگان طرح، در هر دو موضوع نگاه تقلیل‌گرا دارند و امر به معروف و نهی از منکر مردم نسبت به حکومت به حاشیه رانده شده و تظلم‌خواهی علنی هم از منظر فروکاستن به مطالبات صنفی سطح پایین، قابل انتقاد است. ضمن اینکه به آموزه مهم «النصیحه لائمة المسلمین» در این طرح توجه نشده است.

۴. در ماده ۳۲ طرح برای کسانی که بر خلاف قانون از برگزاری تجمع یا راهپیمایی ممانعت کنند اجرای مجازات ماده ۵۷۰ ق.م.ا. یادآوری و برای سایر افراد کیفر تعیین شده که از نقاط مثبت طرح است.

۵. در ماده ۵، برگزاری و شرکت در هرگونه اجتماعی که در برگیرنده اخلال در نظم و... باشد ممنوع اعلام و در ماده ۳۶ برای آن تعیین کیفر شده است. با توجه به مفاد اصل ۲۷ ق.ا. که فقط رعایت دو شرط عدم حمل سلاح و عدم اخلال به مبانی اسلام را برای تشکیل اجتماعات مطرح کرده، این مواد تعرض به آزادی‌های اساسی است.

۶. در مواد مختلف این طرح (مواد ۳۳ تا ۳۷) برای رفتارهای مختلف جرم‌انگاری جدید صورت گرفته که این ذهنیت را ایجاد می‌کند که این طرح بیش از تضمین حق اجتماع مسالمت‌آمیز، محدودسازی را در دستور کار دارد.

۷. در مورد تجمع‌ها و اعتراضات خودجوش هیچ‌گونه تساهلی در این طرح مشاهده نمی‌شود در حالی که با توجه به توصیه‌های شورای حقوق بشر در کشورهای که تجمع بر مبنای اطلاع قبلی است، در مورد تجمع‌های خودجوش یا تجمع‌های مبتنی بر فراخوان در شبکه‌های اجتماعی تساهل می‌شود.

در تحلیل کلی می‌توان گفت هرچند طرح مورد اشاره برخی ویژگی‌های مثبت مذکور در لایحه پیشنهادی دولت را دارد، از شرایط مقرر در اصل ۲۷ عدول نموده و با استفاده از الفاظ موسع مانند اخلال در نظم عمومی و مقابله با اساس نظام و ... جرم انگاری‌های جدیدی را پیشنهاد نموده که علاوه بر نقض حقوق و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و الزامات حقوق بشری، اصول مربوط به جرم انگاری و هزینه - فایده یا هزینه - اثربخشی جهت مداخله حقوق کیفری را مورد نظر نداشته است.

۴. نتیجه‌گیری

حق برگزاری اجتماع مسالمت‌آمیز به‌مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در اسناد حقوق بشر بین‌المللی و منطقه‌ای پیش‌بینی و تقریباً تمام کشورهای عضو سازمان ملل برخوردار از این آزادی را در قوانین اساسی خود تضمین کرده‌اند. از منظر حقوق اسلامی نیز، حق اعتراض مسالمت‌آمیز در عرصه عمومی فارغ از اینکه به هدف دستیابی به مطالبات صنفی و گروهی باشد یا برای اعلام علنی اعتراض به سیاست‌های حکمرانی و یا دعوت به خیر و بازداشتن از امور منکر، مورد شناسایی است و با توجه به اینکه نویسندگان قانون اساسی ایران در سال ۱۳۵۸ به اهمیت حضور اجتماعی شهروندان در قالب تجمع و راهپیمایی و مخاطرات محدودسازی این حق واقف بوده‌اند، به‌صورت آگاهانه، در تدوین اصل ۲۷ ق. ۱۰ صرفاً بر دو شرط «مسلحانه‌نبودن و عدم اخلال به مبانی اسلام»، اکتفا و از اضافه شدن شروط و قیود تحدیدکننده آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها اجتناب نموده‌اند. علاوه بر این، با توجه به اینکه تشکیل اجتماع و راهپیمایی به دریافت مجوز قبلی منوط نشده است، به نظر می‌رسد مدل مورد تأیید شورای حقوق بشر سازمان ملل و مورد عمل بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اروپایی که منوط نمودن به اجازه قبلی در تشکیل اجتماع و اعتراض را روش درستی در تضمین این حق ندانسته، مورد توجه قانون اساسی ایران قرار گرفته است.

با وجود این، قوانین عادی ایران که در جهت تضمین و تعیین ضوابط استیفای این حق از دهه اول انقلاب تاکنون به تصویب رسیده و به تبع آن رویه عملی دستگاه‌های اجرایی، امنیتی

و انتظامی، بر خلاف آموزه‌های اسلامی مورد اشاره و ارزش‌های قانون اساسی، مدل مجوزمدار در استیفای این حق را در دستور کار قرار داده‌اند، ضمن اینکه اصولاً استیفای این حق و درخواست مجوز، در مورد گروه‌ها و اشخاص حقوقی مطرح و عملاً حق درخواست تجمع و راهپیمایی از افراد حقیقی سلب شده است. شواهد عینی حاکی است که این شرایط سخت‌گیرانه سبب شده است که اکثر تجمع‌ها بدون مجوز برگزار و مشکلاتی را برای شهروندان و نظام حکمرانی ایجاد نماید.

با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و افزایش تجمع‌های اعتراضی، طرح تقنینی جدیدی در قوه مقننه ایران در حال بررسی است که ضمن اینکه فرایند ناکارآمد مجوزمدار را به فرایند اطلاع‌مدار تغییر داده و حق اعلام تجمع و راهپیمایی را برای افراد حقیقی هم شناسایی کرده که رویکرد مطلوبی است، از نظر تقلیل‌گرایی در ماهیت اعتراضات و جرم‌انگاری‌های جدید در این زمینه، محدودیت‌هایی برای اجرای اصل ۲۷ ق.ا. پیشنهاد کرده که لازم است با نظرداشت به مبانی اسلامی و توجه به ارزش‌های مورد نظر قانون‌گذار در فصل حقوق ملت، اصلاحات لازم در این طرح انجام شود.

سیاهه منابع

الف - منابع فارسی:

- قرآن کریم
آقابابایی، حسین. حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
- آقابابایی، حسین. قلمرو امنیت در حقوق کیفری. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹.
- ابن خلدون، عبدالرحمن. مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۴۰۱.
- الجوزیه، ابن قیم. اعلام الموقعین عن رب العالمین. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱.
- اسلامی، رضا و محمد مهدی کمالوند. «چالش آزادی اجتماعات در سیستم حقوقی ایران در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۰ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۱۸۷-۲۲۲.
- بادکوبه هزاوه ای، احمد. «بنیادهای سازمان حاسبه از آغاز تا پایان دوره اموی»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۱ (تابستان ۱۳۸۱): ۳۰۷-۳۱۹.
- بیاتی، علی. «نظام حقوقی حاکم بر پاسداشت نظم عمومی و تضمین آزادی اجتماعات (با تأکید بر رویکرد دیوان عدالت اداری)»، فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری ۲، شماره ۲ (بهار ۱۳۹۹): ۶۷-۹۴.
- پژوهشکده شورای نگهبان. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (اصل ۲۷). تدوین محمد فتحی. ۱۳۹۳.
- جوادی آملی، عبدالله. «جایگاه فقهی حقوقی مجلس خبرگان»، مجله حکومت اسلامی ۸، شماره ۲ (تابستان ۱۳۷۷): ۱۰-۴۱.
- حقیقت، سید صادق. «فقه سیاسی و نقش دوگانه مصلحت»، نشریه شیعه شناسی، شماره ۳۲ (زمستان ۱۳۸۹): ۳۱-۵۴.
- ساکت، محمد حسین. دادرسی در حقوق اسلامی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲.
- سروش محلاتی، محمد. «نصیحت ائمه مسلمین»، حکومت اسلامی ۱، شماره ۱ (پاییز ۱۳۷۵): ۱۳۵-۱۸۹.

حق اجتماع مسالمت آمیز در عرصه عمومی در... / آقابابایی ۱۰۹

رفیعی علوی، سید احسان. «بررسی فقهی حقوقی اصل ۲۷ قانون اساسی در پرتو طرح تقنینی نحوه برگزاری راهپیمایی‌ها و تجمعات»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۳۰ (زمستان ۱۳۹۹): ۷۴-۵۱.

عبده، محمد و محمد رشید رضا. تفسیر المنار. قاهره: مطبعه المنار، ۱۹۴۷.
قاری سیدفاطمی، سید محمد. «توسعه قلمرو و تضمین محدودیت: آزادی بیان در آینه حقوق بشر معاصر، مبانی نظری و پیامدهای حقوقی»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱ (بهار ۱۳۸۴): ۲۳۹-۲۹۲.

قاری سید فاطمی، سید محمد. «قلمرو حق‌ها در حقوق بشر معاصر: جهان‌شمولی در قبال مطلق‌گرایی»، نشریه نامه مفید، شماره ۳۳ (بهمن ۱۳۸۱): ۴-۲۰.
قهرمان‌نژاد، بهاء‌الدین، فهیمه فرهنگ‌نویز، سید صادق حقیقت، محسن مهاجرنیا، و مرتضی حسینی نسب. «تعامل با سلطان جور در اندیشه شیخ مفید»، نشریه فقه ۲۱، شماره ۲ (تابستان ۱۳۹۳): ۱۰۳-۱۲۰.

قنبری، حمید. «مقارنه آرای امامیه و اهل سنت در حسبه و امور حسبیه»، فصلنامه فقه و اصول ۳۵، شماره ۳ (آبان ۱۳۸۲): ۱۰۵-۱۳۴.

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
طباطبایی، سید محمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.

طالبکی، اکبر، فیروز اصلانی، و ولی‌الله حیدر نژاد. «جایگاه نصیحت امام مسلمین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، شماره ۱۰ (زمستان ۱۳۹۳): ۲۱-۴۴.

مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. عین‌الحیات. تهران: انتشارات قدیانی، ۱۳۹۱.
محمودی، امیررضا و محسن مسعودی‌نیا. قانون اساسی جمهوری ترکیه (با آخرین اصلاحات سال ۲۰۱۱)، publaw.blogfa.com

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه (با همکاری جمعی از نویسندگان). تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.

منتظری، حسینعلی. مبانی فقهی حکومت اسلامی. ترجمه و تقریر محمود صلواتی. تهران: انتشارات سرایی، ۱۳۸۶.

نظام الملک، (ابوعلی حسین بن علی). سیاستنامه. تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

ب- منابع لاتین:

- Anne Peters, and Isabelle Ley. *Comparative Study: Freedom of Peaceful Assembly in Europe*. Max Planck Germany, Institute for Comparative Public and International Law, 2014.
- Hamilton, Michael. "To Facilitate and Protect: State Obligations and the Right of Peaceful Assembly in International Human Rights Law." *Asia-Pacific Journal on Human Rights and the Law* 21, no. 1 (May 2020): 5-34.
- Neil Jarman, Michael Hamilton. Protecting Peaceful Protest: The OSCE/ODIHR and Freedom of Peaceful Assembly, *Journal of Human Rights Practice* 1(June 2009): 208-235, <https://doi.org/10.1093/jhuman/hup011>.
- Siegert, Kai. "The Police and the Human Right to Peaceful Assembly." (chapter11) in *The Police and International Human Rights Law*, edited by Ralf Alleweldt & Guido Fickenscher, 2018.
- Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR) Guidelines on Freedom of Peaceful Assembly, second edition, Warsaw, 2020.
- OSCE, *Guidelines on freedom of peaceful assembly*, Second edition, Warsaw, Office for Democratic Institutions and Human Rights, 2012.
- Stone, Richard. *Civil liberties & human rights*, 10th edition, UK: Oxford University Press, 2014.
- UNHRC, *Joint report of the Special Rapporteur on the right to freedom of peaceful assembly and of association and the Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions on the proper management of assemblies*. A/HRC/31/66 of 4 February 2016.